پرسه در خبر

برگزاری اولین دوره همایش فیلم کُردی در سلیمانیه

● **گروه هنر:** اولین دوره همایش فیلم کُردی سلیمانیه با هدف مرور سینمای کُردی از طرف وزارت فرهنگ اقلیم کردستان و مؤسسه رسانه‌ای کوردسات از تاریخ ۱۹ شهریور به مدت شش روز در این شهر برگزار شد. مراسم افتتاحیه این فستیوال روز دوشنبه و به مناسبت سالگرد فوت یلماز گونای، کارگردان سرشناس کرد، در تالار هنر سلیمانیه شروع شد که ابتدا قباد طالبانی، معاون نخست‌وزیر اقلیم کردستان، به سخنرانی پرداخت. طالبانی در پیام خود گفت: این اقدام شبکه کوردسات و وزارت فرهنگ حرکتی مهم در راستای این نکته بود که سلیمانیه پایتخت فرهنگ و هنر کردستان است، البته این واقعیت نیز وجود دارد که تاکنون نتوانسته‌ایم داستان‌های حماسی، فجایعی مانند انفال و نکات برجسته و ارزشمند سرزمینمان را از طریق سینما نه‌تنها برای خود، بلکه برای جهانیان نمایش دهیم. راسان مختار، سخنگوی هیئت برگزاری این همایش، در گفت‌وگویی اختصاصی اعلام کرد: در روزهای برگزاری همایش فیلم سلیمانیه نیز چهار فیلم بلند کردی ساخته هنرمندان؛ هشام زمان، بتین قبادی، کاضم اوز و بهمن قبادی پخش شد که میزان استقبال عمومی از این فیلم‌ها فراتر از تصور برگزارکنندگان بود و توانست فضایی سینمایی و ویژه در این چند روز در شهر سلیمانیه به‌عنوان پایتخت فرهنگ و هنر کردستان ایجاد کند. همچنین در روز پایانی چند پانل با محوریت سینمای کردی و مشکلات و موانع این سینما با حضور هنرمندانی از سراسر جهان برگزار شد. راسان مختار هدف از برگزاری این همایش را بررسی مشکلات پیش‌روی سینمای کردی و درخواست از حکومت اقلیم کردستان برای سرمایه‌گذاری در حوزه سینما و اهمیت‌دادن به مراحل تولید فیلم کردی دانست و اعلام کرد: همچنین مقرر شده این همایش سالانه و به شکلی منظم برگزار شود و بعد از اتمام این دوره نیز در تلاش خواهیم بود با حمایت حکومت اقلیم کردستان زمینه‌های تهیه پروژه‌های سینمایی را در اولویت فعالیت‌های خود قرار دهیم. سخنگوی هیئت برگزاری همایش همچنین گفت: برای همه ما مهم است که سینما در کردستان جایگاهی مهم‌تر و ارزشمندتر از قبل داشته باشد و به دنبال این مسئله هستیم تا با سرمایه‌گذاری در این بخش و همچنین فرهنگ‌سازی، جایگاه سینما را برای خانواده‌ها ارتقا بخشیم و حضور در سینماها اهمیتی بیشتر از قبل داشته باشد.

با تهمینه میلانی

گفت‌وگو آری، تخریب نه

فرانک آرتا: تهمینه میلانی از مسئول گالری ایوان و سایر اشخاص مسبب حواشی‌های اخیر رسما شکایت کرد. بنا بر گفته تهمینه میلانی، این کارگردان سینما از اخلالگران نمایشگاه نقاشی خود و مدیر نمایشگاه ایوان به دلیل تعطیلی غیرقانونی نمایشگاه شکایت کرد. در پی برهم‌زدن نمایشگاه از طرف عده‌ای که خود را دانشجوی هنر می‌نامیدند، شکایتی از طرف کارگردان فیلم «دو زن»، در دادسرای عمومی و انقلاب مطرح شد. این تعدی به بهانه اینکه تهمینه میلانی کارگردان است و حق برگزاری نمایشگاه نقاشی را ندارد آغاز و به تعطیل‌شدن غیرقانونی نمایشگاه از طرف مدیر نمایشگاه منجر شد. در پی‌آمد این عمل، صدها نفر که به قصد بازدید از آثار هنرمند موردعلاقه خود، از نقاط دور و نزدیک به تهران آمده بودند پشت درهای بسته ماندند. وکیل خانم تهمینه میلانی ضمن تأیید ثبت شکایت علیه مسئول گالری اعلام کرد که از تمام افرادی که با استفاده از هر حربه‌ای قصد برهم‌زدن نمایشگاه را داشتند و همچنین درصدد تضعیف هنر و هنرمند ایرانی به قصد تخریب شخصیت موکل در رسانه‌های داخلی و خارجی و همچنین فضای مجازی بودند و اقدام به نشر اکاذیب کرده‌اند با ارائه مستندات و دلایل قانونی در محاکم ذی‌صلاح طرح دعوی کرده‌ام تا برخورد درخور و شایسته اعمال مرتکبان با آنها صورت گیرد. در پی انتشار این خبر درباره چرایی این موضوع با تهمینه میلانی گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم و بحث مفصل دراین‌باره را به روزهای آینده موکول خواهیم کرد.

تحلیلتان از هجمه‌های صورت‌گرفته علیه نمایشگاه نقاشی شما چیست؟

از کنارهم گذاشتن مجموعه اتفاقاتی که از سال‌های ۱۳۸۱ تا امروز برایم افتاده است حدس من این است که پشت این هجمه‌ها همان جریانی است که با جوسازی، فیلم «نیمه پنهان» را توقیف و مرا با چهار اتهام واهی، راهی زندان کردند، اما خوشبختانه حرکت ایشان نتیجه نداد و من با جو مثبتی که در جامعه وجود داشت، هشت روز بعد آزاد و پس از پنج سال تبرئه شدم. متأسفانه با تبرئه‌شدن من ماجرا پایان نیافت و هرچند وقت یک‌بار با شکایت‌های مشابه از طرف همان جریان و به عناوین مختلف به دادگاه‌های مختلف فراخوانده شدم؛ تقریبا هر سال یک‌بار. احتمالا با این هدف که مدام درگیر نگاهم دارند.

چرا اقدام به شکایت علیه گالری ایوان کردید؟

به عقیده ما حرکت مدیر نمایشگاه نقاشی من، بعد از هجوم افرادی که خود را دانشجو می‌نامیدند و در اعتراض به این مسئله که یک کارگردان سینما حق برگزاری نمایشگاه ندارد، اقدام به اعمال غیرفرهنگی کردند، شایسته یک مدیر نمایشگاه نبود!

به‌ویژه پس از آنکه نمایشگاه را تعطیل کردند، به‌سرعت در مصاحبه خود با روزنامه شما و توجیه رفتار غیرقانونی خود، بی‌توجه به جوانب امر و شخصیت فرهنگی و اعتبار من، مرا متهم به کپی یکی از آثار کردند و درواقع بدون آنکه تحقیقی در این زمینه انجام پذیرد و نظر متخصصان و کارشناسان هنرهای تجسمی پرسیده شود، حقوق قانونی مرا زیرپا گذاشتند و بدتر از آن تابلوهای مرا گروگان گرفتند و هربار خواستار تابلوهای خود شدم، از پس‌دادن آن امتناع کردند. امیدوارم با اقدامات قانونی‌ای که کردیم، تابلو را پس بگیریم. موضوع مطرح‌شده هم برخلاف اتهامات مدیر گالری کپی نیست و شباهت دارد که در حوزه هنرهای تجسمی امری طبیعی است، اما مدیر گالری همان روز باعجله حکم داد و حکم را به اجرا درآورد. حال آنکه کنترل تابلوها باید پیش از شروع نمایشگاه و توسط خود گالری انجام می‌گرفت تا اگر شبهه یا شباهتی وجود داشت، برطرف شود.

با توجه به اینکه خودتان شباهت با یکی از کارها را تأیید کردید، چرا در یکی از تحلیل‌هایتان به کارشکنی برخی از افراد در آن‌سوی مرزها اشاره داشتید؟

شباهت یک اثر که دلیل تعطیلی نمایشگاه نمی‌شود! الهام از آثار هنری همیشه در هنرهای تجسمی، حتی هنرهای دراماتیک رایج بوده و هست. من همیشه گفته‌ام که از همه‌چیز و همه‌کس الهام می‌گیرم، اما حرف خودم را می‌گویم. داستان خودم را می‌نویسم. نقاشی خودم را می‌کشم.

شک نکنید که دوستان جوانی که نمایشگاه مرا برهم زدند، آگاهانه یا ناآگاهانه از آقای الف. پ که در خارج از ایران زندگی می‌کند، خط می‌گیرند که به احتمال قوی مأمور ویژه همان جریان داخلی است که مرا به زندان فرستادند.

مسلما اگر حسن‌نیتی وجود داشت و این افراد نگران کپی آثار هنری بودند، زمانی که خانم سوفیا کاپولا چند سال بعد از ساخته‌شدن فیلم سوپراستار به کارگردانی من فیلم some where را با شباهت بسیار زیاد در داستان و حتی دکوپاژ ساخت و برایش اسکار هم گرفت، اعتراض می‌کردند!

این‌همه هجمه برای شباهت یک اثر نقاشی! آن هم اثری که صاحبان آنها ادعا و شکایتی از همدیگر ندارند!

غم‌انگیزترین بخش ماجرا زمانی بود که صداوسیما هم در چند برنامه مهم، از جمله دخترانه و ۸:۳۰ با نشر اکاذیب اعتبار مرا هدف قرار داد که به‌موقع برخورد قانونی خواهد شد، آن هم با اضافه‌کردن تابلوهای دیگر که خانم‌های جوان از روی تابلوهای من کشیده بودند و بارهاوبارها اعلام کردند که ما با اجازه خانم میلانی این تابلوها را کشیده‌ایم، اما وقتی قرار نیست گوش شنوایی باشد، خب! نمی‌شنوند. این‌همه هجمه برای تخریب و شخصیت فرهنگی، اجتماعی و هنری من و بالاتر از آن ترور شخصیت نباید تبدیل به یک فرهنگ شود و امیدوارم رسانه‌های مستقل در این راه یاری‌ام کنند.

واکنش مسئولان هنرهای تجسمی ارشاد در این مورد چه بود؟

من با یکی از مسئولان ارشد هنرهای تجسمی بعد از تعطیل‌شدن نمایشگاه توسط مدیر نمایشگاه صحبت کردم، ایشان هم معتقد بودند تعطیلی نمایشگاه بدون نظر کارشناسان امر، عملی غیرقانونی است و برخورد خواهد شد که امیدوارم این‌طور باشد تا این خانم مدیر نتواند صدمه‌ای را که به من زد، به شخص دیگری بزند.

حرف دیگر؟

درحال‌حاضر چند جامعه‌شناس از دوستان من با بررسی صفحه اینستاگرام من، در حال بررسی رفتار اجتماعی برخی از افرادی که در فضای مجازی با شنیدن اخبارهای ناصواب شروع به پرخاش و هتاکی می‌کنند هستند که جای تحقیق و بررسی بسیار دارد.

به نظر می‌رسد فرهنگ ارتباطی ما بسیار ضعیف و نیازمند توجه مسئولان امر است. این حجم از فحاشی گویای کم‌کاری مسئولان مربوطه است که اعتراض جمع کثیری از هنرمندان و مردم دغدغه‌مند را در پی داشت.

البته در میان هجمه‌ها، تعدادی از دانشجویان تجسمی دردهای خود را هم مطرح کرده بودند. از کامنت‌های ایشان دریافتم که بازار هنری و عدم امکان یا ضعف نمایش آثار هنری ایشان و یافتن گالری از مشکلات ایشان است و اگر بتوانم کمکی باشم در جهت حل این معضل، کوتاهی نخواهم کرد، هرچند که قدرتی ندارم.

ای‌کاش هنرمندان جوان که تحت‌تأثیر عده‌ای بدخواه قرار گرفتند، اولین حضور مرا در عرصه هنرهای تجسمی به فال نیک می‌گرفتند تا با بحث و گفت‌وگوی سازنده در حل معضلات و رشد هنری گام برمی‌داشتیم، نه تخریب.

روزهای کم‌فروغ «شعله‌ور» در گیشه سینماها

گروه هنر: گیشه سینمای ایران در شش‌ماهه نخست سال روزهای پرنوسانی را تجربه کرد. در این میان کمدی‌ها باز هم نبض گیشه سینما را به دست گرفتند و فیلم سینمایی «هزارپا» توانست مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند و به‌نوعی رکوردشکنی در گیشه سینماهای ایران را به نام خود ثبت کند.

با آغاز ماه محرم، نمایش فیلم‌های کمدی به مدت ۱۰ روز در سینماها متوقف شده است و سینماها از سه‌شنبه، ۲۷ شهریور، به مدت پنج روز به دلیل تاسوعا و عاشورای حسینی تعطیل خواهند بود. در هفته‌های گذشته فیلم‌های متفاوتی از سینمای ایران به نمایش گذاشته شد. فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب»، به کارگردانی بهرام توکلی، در گونه جنگ محسوب می‌شود که در روزهای اکران با فروش چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در طول پنج هفته با استقبال خوبی مواجه شده است و اکران این فیلم همچنان ادامه دارد.

جواد عزتی، امیر جدیدی، مهدی پاکدل، حمیدرضا آذرنگ، مهدی قربانی و علی سلیمانی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. «شعله‌ور» دیگر فیلمی است که چندهفته‌ای است به اکران رسیده و تازه‌ترین فیلم حمید نعمت‌الله محسوب می‌شود. این فیلم از ابتدای اکران به فروش ۹۰۰ میلیون تومان در گیشه رسیده است. امین حیایی بازیگر نقش اصلی این فیلم است و برخلاف ساخته پیشین نعمت‌الله؛ «رگ خواب»، تا به اینجا چندان در جذب عموم مردم موفق نبوده است. پس از نخستین نمایش فیلم سینمایی «شعله‌ور» در جشنواره فیلم فجر، بسیاری ساخته جدید نعمت‌الله را فیلم شخصی‌تری از او تعریف کردند. در کنار اینها طبعا «شعله‌ور» از جمله آثاری است که با توجه به شرایط سخت جغرافیایی محل فیلم‌برداری، فیلم سخت و پرزحمتی برای نعمت‌الله بوده. کیوان کثیریان، سینمایی‌نویس، در یادداشتی که در مورد این فیلم سینمایی نوشته است، آورده: «کاش می‌شد فیلم اخیر نعمت‌الله را ندید. این‌همه فاصله میان این فیلم و آثار پیشین او باورکردنی نیست. وررفتن بی‌فایده با یک موقعیت ساده بی‌آنکه چیز تازه‌ای از میان آن بشود بیرون کشید و بی‌آنکه قصه، سویه جالبی داشته باشد و بی‌آنکه شخصیت‌ها اندکی جذاب باشند و بشود به آنها نزدیک شد و درکشان کرد. دریغ از یک لحظه حس‌برانگیز و یک رابطه به‌دردبخور. خبری از ظرافت‌های شیرینِ نوشته‌های نعمت‌الله و مقدم‌دوست نیست، اجراَ هم ویژگی خاصی ندارد و موقعیت نمایشی طراحی‌شده هم بیش از اندازه کسالت‌بار است و نمی‌تواند مخاطب را درگیر کند. طبیعتا «شعله‌ور» ضعیف‌ترین فیلم حمید نعمت‌الله است. او شاید از معدود کارگردانان سینمای ماست که خلاقانه فیلم می‌سازد و سراسر کارنامه‌اش با فیلم‌های خوب پر شده. ولی «شعله‌ور» یکدستی این کارنامه را مخدوش می‌کند».

پویان عسگری، از دیگر منتقدان، نیز درباره «شعله‌ور» نوشت: «جاه‌طلبی‌های ذهن دوزخی و روح هیولایی حمید نعمت‌الله همچون شعله‌های آتش زبانه می‌کشند و جهنم سوزان را در گدازه‌های تصاویر مضطرب و وهم‌انگیز «شعله‌ور» بازسازی می‌کنند. یک فیلم غریب. فیلمی سخت‌فهم که روحیه عمومی انتقادی و فیلم‌بینی در سینمای ایران آن را پس خواهد زد و به‌جایش تماشاگران جدی و آشنا به شکل‌های مختلف فیلم مجذوبش خواهند شد. نعمت‌الله در «شعله‌ور» به قراردادها و انگاره‌های تثبیت‌شده اخلاقی در فرهنگ و سینمای ایران یورش می‌برد و در قالب یک «حکایت اخلاقی» روزآمد، راوی احوالات پریشانِ شیطانی که خلق کرده، می‌شود. به‌عبارت بهتر اثرِ متهورانه نعمت‌الله به نقیض «خیلی دور، خیلی نزدیک» میرکریمی و سایر فیلم‌های معناگرای سینمای ایران در دو دهه اخیر بدل شده و با وارونه‌کردن مناسبات اخلاقی آن فیلم‌ها، اهریمن‌اش را در داستان مدرن و عاری از اتفاقش به پرسه در جغرافیای هذیانی بلوچستان وامی‌دارد و هم‌زمان او و تماشاگران را در وهمی ناشناس غرق کرده و به شیوه‌ای معکوس (منفی) به معنویت و استعلا دست می‌یابد. در رویکردی خاص و بی‌مانند در تاریخ سینمای ایران و شبیه به «حرفه: خبرنگار» آنتونیونی و «خون بپا می‌شود» تامس اندرسون با فیلمی مواجه هستیم که به‌تدریج تعادل و هوشیاری‌اش را از دست می‌دهد و در آغوشِ کابوس و اوهام و جنون آرام می‌گیرد. تلفیقی پیچیده اَز عینیت و ذهنیت. درعین‌حال «شعله‌ور» به همزاد افسرده و خطرناک و سوبژکتیو «آرایش غلیظ» می‌ماند با فانتزی و حس طنزی سیاه‌تر از آن فیلم. نعمت‌الله با «شعله‌ور» تلخ‌ترین، هذیانی‌ترین و شخصی‌ترین فیلمش را ساخته که بدون باج به انتظارات فرمی تماشاگر و ذره‌ای دلسوزی برای مرد داستان، قواعد بیانگری خود را دور از دسترس مخاطب بنا می‌کند. ماجرای مردی بازنده و مفلوک (با حضور به‌یادماندنی امین حیایی) که در جست‌وجوی غرور و عزت‌نفس لگدمال‌شده، به عقده‌های درونش مجال پرواز می‌دهد و بال‌های ناشی از این پریدن او را در جهان اشباح رها می‌کند. اما او در دنیای تازه خود را در قالب شیطان بازمی‌یابد و این‌گونه بر مبنای غریزه‌اش در مسیر تباهی قدم می‌گذارد. فیلم بزرگ نعمت‌الله بی‌نیاز از وقوع اتفاقات مهیب در جهان داستانش، از همان ابتدا بر اساس ابهامی رازآمیز تماشاگر را همراه با مرد در معرض وقایع به ظاهر کوچک و بی‌اهمیت قرار می‌دهد، سپس تارهای مغاک هولناکش را پیرامون او و تماشاگران به آرامی می‌تند و در نهایت همه‌چیز را در کام جنون خود فرومی‌کشد».

نظرات متفاوتی از جانب مخاطبان این فیلم سینمایی و البته اهالی سینما وجود دارد. با اینکه از اکران فیلم «شعله‌ور» در سینماها هنوز زمان باقی مانده است، باید دید در روزهای آینده و اتمام تعطیلات آیا در گیشه این فیلم، تغییرات محسوسی اتفاق خواهد افتاد یا خیر.

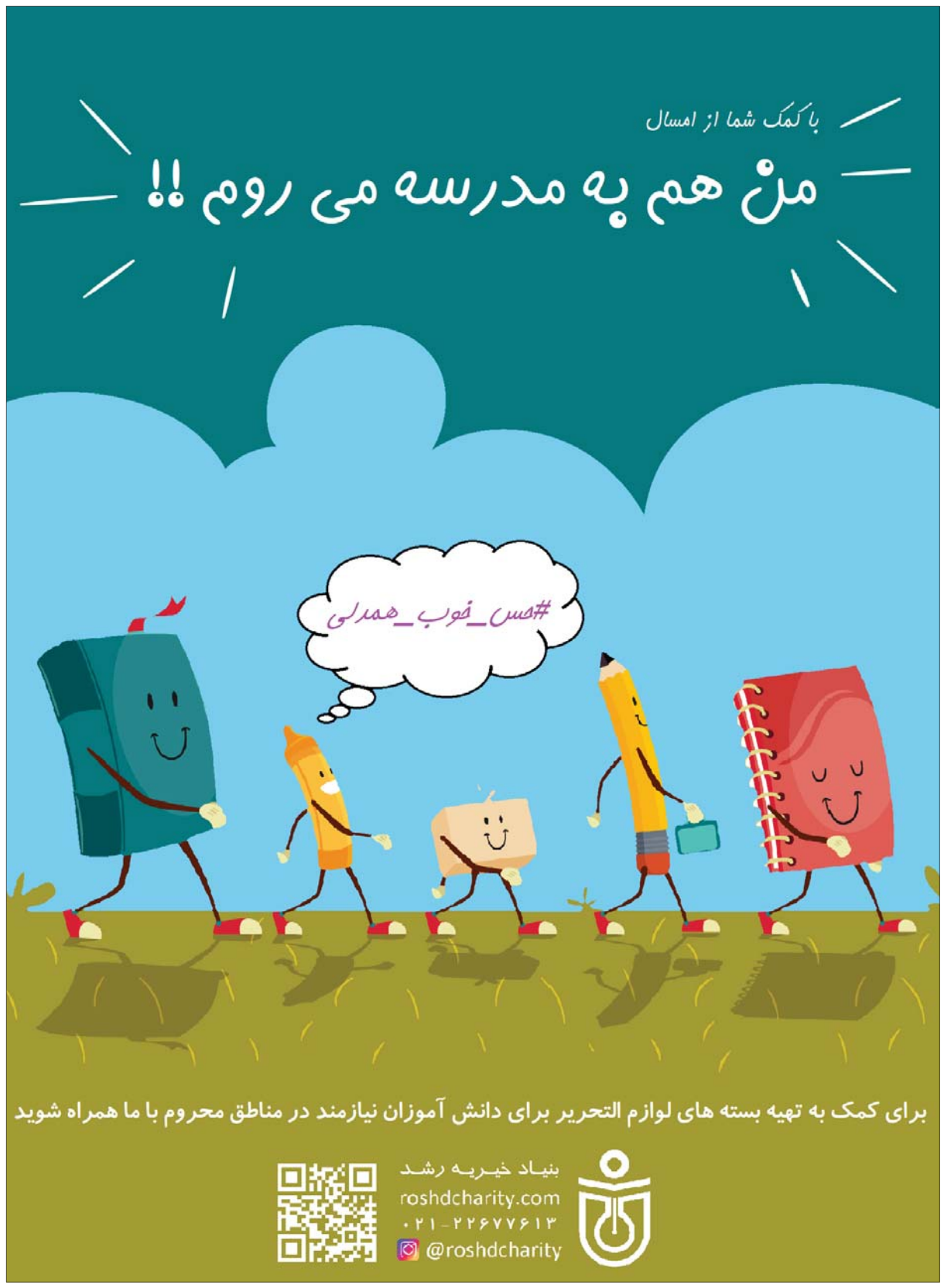

خرابات

تاریخ در غربت

جواد طوسی

● گویا همچنان آرشیو تلویزیون در ایام محرم به دو، سه فیلم و سریال آشنا مثل «روز واقعه» شهرام اسدی و «مختار» داوود میرباقری و «سفیر» فریبرز صالح محدود شده است و دریغ از یک تولید جدید استاندارد و تأثیرگذار... . کار به جایی رسیده که صدای داوود میرباقری هم در آمده است. در میزگردی که اخیرا با حضور او و حسن فتحی و منوچهر شاهسواری درباره سینمای صنعتی داشتیم، گله‌مندانه می‌گفت که به مسئولان تلویزیون اعلام کرده «تو را به خدا دست از سر این مختار بردارید، رُسَش را کشیدید!».

اساسا مواجهه با تاریخ (اعم از صدر اسلام و دوره‌های بعد) نیاز به ذوق و ظرافت و چیره‌دستی دارد. می‌توان از یک رخداد فرعی و مهجور مانده به واقعه‌ای مشهور و در نقطه‌ای رفیع و حماسی قرارگرفته رسید و همان مفاهیم را دوره کرد و با بیانی نو و متفاوت به نمایش گذاشت. در این تکثرگرایی رسانه‌ای برای جذب هرچه‌بیشتر مخاطب وتأثیرگذاری عمیق در او باید نگاهی خلاقانه و چندوجهی به گستره تاریخ داشت. با همه محدودیت‌های ژانری در سینما و تلویزیون ما، لااقل می‌توان گشاده‌دست‌تر و هوشمندانه‌تر با ژانر تاریخی روبه‌رو شد. اگر سینما و حوزه نمایشی ما رو به صنعتی‌شدن بروند، «سینمای تاریخی» مانند «سینمای جنگی» شکل گرفته در این دوران می‌تواند یکی از شاخص‌ترین ژانرهای رسانه‌ای ما شود. نگاهی به تاریخ دور و نزدیک این سرزمین کهن نشان می‌دهد که چقدر ما از نظر سوژه و مضامین و منابع مرتبط با آن غنی هستیم؛ منتها برای دستیابی به اجرا و نمایشی شکوهمند و پرجاذبه و درعین‌حال پرمخاطب و ماندگار باید از فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردان‌های توانمند و باذوق که اصول و قواعد دراماتیک در پرداختن به متون و رخدادهای تاریخی را خوب بشناسند و به‌موقع یک تکنسین ماهر باشند، استقبال کرد و این اقتضا می‌کند با نگاهی دقیق و کارشناسانه و آینده‌نگرانه به صنعتی‌شدن سینمای‌مان در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیندیشیم. راهکار عملی و اجرائی برای دستیابی به این مهم، احیای دوباره «بخش خصوصی» و بازنگری فرهنگی، ساختاری و هویتی در آن، جذب سرمایه‌های شناخته‌شده و شفاف و دعوت از اشخاص حرفه‌ای و متخصص در این زمینه و تخصیص ردیف بودجه مناسب در گام‌های اولیه از ناحیه دولت و دیگر نهادها و سازمان‌های برخوردار از بنیه مالی قوی است.

اگر نمونه‌های اندک تجربه‌شده تاکنون از سوی افرادی مانند داوود میرباقری، احمدرضا درویش، شهرام اسدی و مسعود جعفری‌جوزانی قابل قبول و آبرومندانه بوده است، باید از این‌گونه افراد برای ادامه کار در این حوزه حمایت شود و دستشان را باز گذاشت و در وجودشان انگیزه کافی ایجاد کرد. اما در واقعیت تلخ جاری می‌بینیم که داوود میرباقری سال‌هاست در کش‌وقوس ساخت مجموعه تلویزیونی «سلمان فارسی» است. از این بغرنج‌تر، سرنوشت همچنان نامعلوم فیلم «رستاخیز» احمدرضا درویش است که کارگردانش را در موضعی لجوجانه (حتی با خودش) قرار داده و شنیده‌ایم که تا روشن‌نشدن وضعیت فیلمش حاضر به فیلم‌سازی در این دولت نیست. مسعود جعفری‌جوزانی هم با وجود سعه‌صدر بیشترش، با کارشکنی‌ها و عوامل بازدارنده مختلف در ساخت پروژه‌های موردنظرش چون «پوریای ولی» و «کورش» روبه‌رو بوده است. فیلم‌سازانی مانند مسعود کیمیایی هم که با نگاهی متفاوت و خاص به تاریخ پرداخته‌اند (نمونه‌اش سرب)، از سوی نهادهای دولتی و بخش خصوصی برای تکرار و ادامه این تجربه‌های موفق حمایت نشده‌اند. برای نمونه، فیلم‌نوشت «تبعید سایه‌ها»ی او چندین سال است به «بنیاد سینمایی فارابی» ارائه شده ولی به لحاظ هزینه بالا هنوز امکان ساختنش فراهم نشده است.

یاد

مراسم تشییع سعید کنگرانی

● مراسم تشییع سعید کنگرانی صبح روز گذشته ۲۶ شهریور در قطعه هنرمندان بهشت‌زهرا(س) برگزار شد. در این مراسم، سعید کنگرانی از سالن تطهیر تا قطعه هنرمندان تشییع و در کنار مزار داوود اسدی به خاک سپرده شد. مهدی گلستانه، اصغر پورهاجریان، رضا بنفشه‌خواه، لیلا زارع، علی دهکردی، مهرشاد کارخانی، ستار اورکی، سعید سهیلی و پرستو صالحی از حاضران در این مراسم بودند. مهدی گلستانه (کارگردان سینما) نیز یک فایل صوتی از سعید کنگرانی منتشر کرد. در این فایل صوتی، سعید کنگرانی بخش‌هایی از شعر احمد شاملو را دکلمه کرده بود. فریبرز کنگرانی (برادر سعید کنگرانی) نیز با تشکر از حاضران در مراسم، گفت: از خانم شهیدی، همسر سعید کنگرانی، که در سال‌های گذشته در کنار سعید بود، تشکر می‌کنم. وی ادامه داد: عذر می‌خواهم از همه شما که امکان پذیرایی نداریم. به ما گفته شد که مراسم این‌گونه برگزار شود. صمد کنگرانی (برادر دیگر سعید کنگرانی) نیز اظهار کرد: تنها کسی که در طول ۱۵ سال بی‌کاری سعید، در کنار او بود، همسرش بود